

هنر و فرهنگ ملی ، مقابل بیگانه ابن مقفع (روزبه دادویه) قرار دارد . او در قرن دوم هجری به باز آفرینی فرهنگ ملی ما پرداخت اما خلفای عرب باز رویش فرهنگ ملی ما را بسود خود تبدیلند ، پس به او کفر بستند و در آتش بسوختندش . برای آشنایی بیشتر شما پیشنهاد می کنم فشرده ترین ، و در عین حال یکی از دقیقترین و کم حاشیه ترین تاریخ ادبیات و نور و ظلمت در ادبیات ایران ، را نگاه کنید . آنجا منظور خود را بهتر در خواهید یافت .

مردم ما پس از هجوم مغول نیز همچنان تا حد امکان ، ارزش های فرهنگی خود را حفظ کردند و نمودارش حضور ادیبان و شعرایی چون علی شیرنوی و ابن سینا . در عصر جدید نیز همین طور . یعنی از هنگامی که اقتصاد و سیاست غرب بر برلماندهی ویرانه ی تاریخ مردم ماسط شد و کوشید تا همه ی ارزش ها را به سود خود بازگونه کند ، باز هم مردم ما در حفظ هنر و فرهنگ خود از کوشش باز نایستادند . البته در طول تاریخ به مناسبت فراز و فرودها و شدت و ضعف حکومت بیگانگان و نحوه ی برخورد آنها با هنر و فرهنگ ایران ، جهش و بالست ارزش های هنری نیز تغییر می کند ، اما کنده نمی شود . مداوم و جاری است ، تا به امروز می رسیم . حتی اگر

مردمی به تیغ بیگانه از دم درویشوند، از خونشان فرهنگ و هنر و ملیت خواهد جوشید. چنانکه از خون سیاوش گلی روید. شما اگر در زبان فارسی دقیق شده باشید، متوجه خواهید شد که شیوهی نگارش و گفتار در فاصله‌ی صد ساله‌ی اخیر دستخوش چه دگرگونی‌های بی‌شمار شده است. مثلا تا قبل از مشروطیت و حتی چند دهه‌ای بعد از آن مردم فرهنگی ما تحت نفوذ اقتصاد فئودالی و فرهنگ آخوندی به نحوه‌ی پیچیده و خاصه فهم مطلب می‌نوشتند و حرف می‌زدند. اما با ظهور تغییراتی اجتماعی در سطح جهانی و در نتیجه برآمدن چهره‌هایی نوگرا در ادبیات و هنر ایران، زبان فارسی نیز گرایش به سادگی و زیبایی مردمی یافت. این جنبش جدید با مردانی چون فتحعلی آخوندزاده شروع می‌شود و همراه انسان‌های افتخار آفرینی چون دهخدا ادامه می‌یابد، و به همت هنرمندانی چون هدایت و بزرگ علوی رشد می‌یابد، و همین‌طور که می‌بینی در سطح عمومی هنر و فرهنگ پیشرو کنونی، این زبان چهره‌ی درستر و به‌راستی «فارسی‌تری» می‌یابد. حتی در زمینه‌ی علوم و اصطلاحاتی علمی دانش‌پژوه‌هایی داشته‌ایم و داریم که کوشیده‌اند تا برابر «ویژه‌نام»‌های علمی را بیابند و در فرهنگ رواج بدهند، و در این

میان دکتر آریان پوری شك جای عمده و پرازشی دارد .
و راستی کدام ایرانی هست که امروزه نخواهد هر چه
فارسیتز سخن بگوید و بنویسد ؟ من که چنین می خواهم .
بگوید و ناسیونالیست هستم . اما باچه نگاه و با چگونه
برداشتی ؛ این را خود دانم .

سوال ۱ :

س. الف: هر هنرمجازی رانمی توان هنرترینی دانست . هنگامی که
قدرت مسلط ناشی از اکثریت مردم باشد بدیهی است که
هنرمردمی مجاز است ، و هنر ضد مردمی ، غیرمجاز و
تزیینی می باشد .

ج. الف: این نکته باید روشن باشد که من هنر مجاز را در شرایط
کنونی تعریف کردم و بدیهی است که نخواسته ام هنرمجراز
را در هر موقعیتی تزیینی بخوانم .

س. ب: وجود هنر تلقینی در درجه ی اول به علت وجود خرده بورژوازی
و تحت فشار بودن آن هست ، نه به علت خفقان فرهنگی .
به همین دلیل در جاهایی هم که خفقان فرهنگی وجود ندارد
به این هنر برخورد می کنیم . البته خفقان فرهنگی عامل
خارجی است برای رشد این نوع هنر . هنر تلقینی - یا
مشخصاتی که ذکر فرمودید - ناشی از متزلزل بودن قشر

۱- آنچه می آید پرسشهایی است هنرا با اظهار نظرهایی که مینا آورده میشود .

پاسخ به پرسش‌ها

خرده بورژواست که از يك طرف به مردم رو دارد و از طرف دیگر به طبقات فوقانی‌ش . و به این دلیل وجودش پر از تضادهای رنج‌دهنده می‌باشد و بی‌حوصلگی ، کم‌فکری ، عدم قاطعیت ، همگی ناشی از اختلاط ناجور این تضادها است .

ج . ب . پنداشته بودم که همین نظر شمارا گفته بودم در این عبارت :
 « او - هنرمند تحلیلی - بارفتار عملی خود در هنر به ما ثابت می‌کند که به شدت دارای خصلت های مردم طبقه‌ی متوسط جامعه است ، گرچه از جنبه‌هایی ، گاهی وابسته به طبقه‌ی زیرین باشد ، این ویژگی را از بسیاری لحظات زندگی ، موقعیت‌هایی که در آن قرار می‌گیرد ، رفتار و واکنش‌های ناآگانه و بی‌تفاوتی در برابر مسائل و شرایط از پیش تعیین نشده می‌توان شناخت ، اما ... گویا نتوانست‌ام مقصود را بیان کنم . زیرا بی‌انگیزه و علمی و منطبق بر تعاریف پذیرفته شده نبوده است . بنابراین جانان سخن از زبان هم می‌گوییم ، ۱ - درست .

س.ت: هنر تلقینی را به خاطر وجود عناصر مترقی در آن نباید به این شدت کویید ، بلکه باید آن را راهنمایی کرد و به راه راستین جلب نمود . در غیر این صورت به آغوش هنر

۱ - اصل بیت این است « جانان سخن از زبان ما می‌گویی » که اینجا

تزیینی سقوط می کند ، و به طور خلاصه انتقاد از این هنر بدون راهنمایی و جلب کردن آن يك جنبه گری است .

ج . ت : با توجه به وجود عناصر مرفی در چنین هنری ، و اشاره به آن ها و تأیید نکات مثبتش ، جنبه های کاذب آن را زدم .

نیز چنین یاد گرفته ام که با زندگی همچنان سخن بگویم که او یامن گفت : سخت . بسی سخت . این دست ای که اشاره به آن دارم بیش از این ها تن آسان و سهل طلب شده است ، و بیش از این بره تأیید شدن خود تأیید و تأکید می ورزد که بتوان ، با او از راه های تازه در هنر سخن گفت .

تأیید های قشری او را به حدی خود پستد بار آورده که می ندارد در هنر به سر مترل آخر رسیده است . من اینجا فقط می توانم بگویم يك بار دیگر به دو تن از جاودانه های جهان هنر و ادبیات ، دو تن از سیاستبرین هنرمندان ، و از هنرمند ترین هنرمندان سیاسی جهان ، مراجعه کنند . شکسپیر و شولوخوف . این دو انسان بهترین نمونه ها هستند برای همه ی کسانی که فکر می کنند نور هنر سیاسیند ! این ها را نباید جلب کرد . باید به عمق رانده . بگذار خودشان دریابند که همه چیز همین نبوده است که ما تا به حال شنیده ایم . بگذار خود دریابند . زیرا تجربه شده است که انسان آن چیزی را که خود به دست آورده

بیشتر گرامی می‌دارد .

س. ث : پیوند عمیق و همه جانبه‌ی هنرمند به‌طور صریح یعنی چه؟

آیا منظور روابط تولیدی نیست ؟

ج . ث : چرا . یکی از وجوهش هم می‌تواند روابط تولیدی باشد.

سئوال آخر: آیا ادبیات معاصر چه کاری برای انسان و ترسزده‌ی و

معاصر می‌تواند بکند ؟

جواب آخر : راستی چه کاری می‌تواند بکند !؟ دوست عزیز من ،

بگذار سال‌ها به این سئوال نویندیشم.

پایان

۱- این کتاب در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران و ایران
 در آن زمان و در آن شرایط و در آن اوضاع و احوال و در آن شرایط و اوضاع و احوال است.
 ۲- این کتاب در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران و ایران
 در آن زمان و در آن شرایط و در آن اوضاع و احوال و در آن شرایط و اوضاع و احوال است.
 ۳- این کتاب در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران و ایران
 در آن زمان و در آن شرایط و در آن اوضاع و احوال و در آن شرایط و اوضاع و احوال است.
 ۴- این کتاب در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران و ایران
 در آن زمان و در آن شرایط و در آن اوضاع و احوال و در آن شرایط و اوضاع و احوال است.
 ۵- این کتاب در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران و ایران
 در آن زمان و در آن شرایط و در آن اوضاع و احوال و در آن شرایط و اوضاع و احوال است.
 ۶- این کتاب در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران و ایران
 در آن زمان و در آن شرایط و در آن اوضاع و احوال و در آن شرایط و اوضاع و احوال است.
 ۷- این کتاب در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران و ایران
 در آن زمان و در آن شرایط و در آن اوضاع و احوال و در آن شرایط و اوضاع و احوال است.
 ۸- این کتاب در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران و ایران
 در آن زمان و در آن شرایط و در آن اوضاع و احوال و در آن شرایط و اوضاع و احوال است.
 ۹- این کتاب در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران و ایران
 در آن زمان و در آن شرایط و در آن اوضاع و احوال و در آن شرایط و اوضاع و احوال است.
 ۱۰- این کتاب در مورد مسائل اقتصادی و اجتماعی و سیاسی و فرهنگی ایران و ایران
 در آن زمان و در آن شرایط و در آن اوضاع و احوال و در آن شرایط و اوضاع و احوال است.

...هنر و ادبیات کمونی

هنرمند آوازه گر با هنرمند فرزانه بر سر پاره ای نوافن ها از جمله گرایش به آزادی در کنار هم راه پیموده اند . اما طولی نکشیده است که این دو از هم جدا شده اند . هنرمند آوازه گر در دایره ی تلفینات خود گرفتار آمده و درمانده است . اما فرزانه همچنان پای بر خاک راه کشیده و رفته است . پای بر خاک می کشد و می رود . هدف او چندان دور است که می داند همچنان باید برود . او می داند که باید برود . باید برود . حتی اگر بداند که نخواهد رسید ، می رود . می داند که نخواهد رسید ، اما می رود . می رود . و می داند که خواهد رسید .

رفتن برای او رسیدن است ، و رسیدن برای او همان رفتن . می رود تا بیاید . می جوید و می رود . اگر دمی درنگی کند برای راه جویی تازه است .

از متن جزوه حاضر